

ناشنوایی سیاسی

در امور داخلی نیز با کنش رسانه‌ای و سیاسی می‌توان گوش‌ها را شنوا کرد. به راه درست خود اطمینان داشته باشید. هیچگاه ناامید نشوید. ناامیدی آرزوی گوش‌های ناشنواست و ناشنوایی آنان را مدلل و توجیه می‌کند.

به گزارش سایت خبری پرسون، عباس عبدی در یادداشتی نوشت: این متن را چند روز پیش یکی از همکاران روزنامه اعتماد برای من نوشت و پیشنهاد داشت که اگر پاسخی دارم بدهم.

«امروز در حال تهیه یک گزارش بودم، از چند نفری سوال کردم و مشغول جمع‌وجور کردن مطالب بودم که یکی از دوستانم تماس گرفت و پرسیده چه می‌کنی؟ شرح دادم. گفت: خب آخرش چی؟ مگه هر چی فریاد بزنیم اصلا شنیده میشه؟ جوابی براش نداشتم، اما گفتم به شما بگم شاید جوابی و یا یادداشتی...»

واقعیت اینه این روزها زیاد می‌شنوم که گفتن که دیگه فایده نداره؟ اصلا برا کی بگیم؟ کسی گوش نمیده !!! و مهم‌تر اینکه این حس رو خودم هم دارم»

واقعیت این است که ظاهر مساله چندان پیچیده نیست. زیرا امروز برخی مسائل چنان آشکار و روشن است که حتی از تذکر دادن آنها تا حدی شرمند می‌شویم. اینکه چگونه می‌توان تصور کرد که جامعه ما نیازمند دادن تذکر در بدیهیات باشد؟ جامعه به کجا رسیده که برخی می‌توانند مدعی شوند مملکت مال آنان است! در این باره چه حرفی می‌توان زد؟ هنگامی که حتی بدیهیاتی چون مهاجرت، رویگردانی از دین، فقر و تورم و... را هم انکار می‌کنند چه می‌توان گفت؟ بنابراین در توصیف واقعیت با نویسنده این مطلب همراهی می‌کنم ولی در مقام نتیجه‌گیری برداشتم متفاوت است که شرح می‌دهم.

حقایق اجتماعی و پذیرش آنها مثل پذیرش حقایق علمی و ریاضی نیست. مثلا $2+2=4$ یک گزاره ریاضی است که آن را در قالب کلاس درس به دانش‌آموز یاد می‌دهند و آنان نیز با یک یا چند بار توضیح آن را یاد می‌گیرند و همه جا به کار می‌برند. ولی درباره گزاره‌هایی چون ضرورت و فایده حاکمیت قانون و مشارکت و نظارت عمومی و... چنین نیست. شاید در کلاس درس هم بتوان ضرورت پذیرش آنها را ثابت کرد و آموزش داد ولی هنگامی که به میدان سیاست آورده شود این آموزش‌ها به کلی کنار گذاشته یا فراموش می‌شوند. چون عرصه سیاست برخلاف کلاس درس که تابع منطق علمی است، تابع قدرت است.

شنیده شدن هر گزاره‌ای تابع قدرت گوینده و شنونده است. در طول تاریخ از طریق آموزش و کتاب‌های درسی، آزادی تحقق نیافته است، بلکه از طریق حضور در عرصه عمومی و رسیدن به موازنه قوای اجتماعی است که مردم حقوق یکدیگر را به رسمیت شناخته و حق آزادی را برای همگان قائل می‌شوند و حکومت‌های خود را نیز ملزم به رعایت آن می‌کنند. اگر از این نظر نگاه کنیم نوشتن گزارش، خبر، تحلیل، یادداشت و به طور کلی فعالیت روزنامه‌نگاری برای این هدف نیست تا به گوش مقامات برسد و آنان هم بگویند عجب حرف درستی است و آن را اجرا کنند. اگر چنین بود که بسیاری از حقایق با یک یا چند بار گفتن، شنیده می‌شد و دیگر مشکلی در جهان نمی‌ماند.

هدف روزنامه‌نگار بیان حقیقت برای تبدیل شدن به قدرت در ذهن مردم و تضعیف طرف مقابل است، این کار یک فرآیند پیوسته است. آنچه موجب شنیده شدن می‌شود فقط استحکام منطق نوشته نیست، بلکه در تبدیل آن به قدرت است، چون سیاست‌های نادرست جز با قدرت سیاسی اصلاح نمی‌شوند. قدرت در برابر قدرت. نوشتن منطقی و گزارش خوب دادن، تهیه و تولید آمار و اطلاعات دقیق، تبیین روابط اقتصادی و اجتماعی و... همه و همه موجب می‌شود که موازنه قوای اجتماعی برای بهبود امور تغییر کند.

در واقع انتظار شنیدن صاحبان قدرت را نداشته باشید، بلکه باید کاری کرد که مجبور به شنیدن شوند. بسیاری از آنان می‌دانند که سیاست‌های‌شان نادرست است ولی ادامه می‌دهند، چون آن را به سود خود می‌دانند و فقط هنگامی که در برابر خود قدرت مردم را دیدند تغییر سیاست می‌دهند. از این نظر بیان گزاره‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی یک فرآیند مستمر و پیوسته است. مثل گزاره‌های ریاضی نیستند که یک بار برای شنونده گفته و مساله حل شود. جالب است بدانیم که در سیاست، حتی ممکن است ۲ به علاوه ۲ برابر ۴ نشود. ۵ یا ۳ یا عدد دیگری شود. ماجرای سیاست را در چارچوب‌های منطق ریاضی نباید دید. چه بسا زمانی حرف‌ها شنیده خواهد شد که شاید از شنیدن آن ناامید می‌شوید.

نمونه خارجی آن را باید در جنگ غزه جست‌وجو کرد. از شعارها و ادعاهای موجود فعلی گذر کنید. پیش از جنگ هر چه به نتانیاهو و حزبش می‌گفتند که راه را بر فلسطینی‌ها نبند، نه تنها گوش نمی‌داد، بلکه مسخره می‌کرد. هر چند حرف‌هایی که به او زده می‌شد منطقی بود. ولی اکنون که جنگ شده، ذهنیت همگان تغییر کرده است. به عبارت دیگر آن گزاره‌های منطقی که گوش شنوایی نداشت، اکنون شنونده پیدا کرده است. در امور داخلی نیز با کنش رسانه‌ای و سیاسی می‌توان گوش‌ها را شنوا کرد. به راه درست خود اطمینان داشته باشید. هیچگاه ناامید نشوید. ناامیدی آرزوی گوش‌های ناشنواست و ناشنوایی آنان را مدلل و توجیه می‌کند.